

استفاده از رفراندوم برای اجماع‌سازی ملی

آذر منصوري

سیاست خارجی در جهان امروز ارتباط مستقیم و متقابل با ساختار حکمرانی کشورها دارد. حکمرانی یا

Governance و نه صرفاً حکومت، امروزه در روند جهانی شدن از جمله موضوعات و امور جهانی شده محسوب می‌شود. به بیان دیگر در غیاب یک حکمرانی خوب و کارآمد (با همه مختصات آن) نمی‌توان انتظار تحقق یک سیاست خارجی موفق را داشت. سیاست خارجی در امتداد سیاست داخلی است. سیاست خارجی هنگامی می‌تواند با توفیق همراه باشد که اجماع ملی را به همراه خود داشته باشد. اجماع ملی امری توافقی است که حکومت باید به الزامات شکل‌گیری آن توجه داشته باشد. اجماع ملی دستوری و از بالا به پایین به دست نخواهد آمد. این اجماع نیازمند توافق بر سر مسائلی است که عبارتند از:

- تمامیت ارضی کشور، وحدت ارضی و وحدت ملی (وحدت ملی با تئصدایی حاصل نخواهد شد)

- حاکمیت ملی و استقلال تصمیم‌گیری، سیاستگذاری و اجرا بر مبنای اراده ملی و خواست همه ایرانیان

(باید در نظر داشت که در جهان امروز مفهوم استقلال، جداسازی یا انزوای طلبی نیست و این نگاه به استقلال اساساً دیگر ممکن نیست) دنیا دنیای تبادل و تعامل است و بدون تبادل و تعامل با دنیا، رشد اقتصادی و تولید و رونق اقتصادی و رفاه شهروندان و در یک کلام توسعه کشورها ممکن نیست.

- توسعه ملی و رفاه عمومی، بهبود معیشت اقشار و طبقات و به عبارتی همه شهروندان ایران، کاهش هزینه‌های اداره کشور و افزایش درآمد و سرمایه ملی و توسعه اقتصادی، بدون شک منوط به سیاست خارجی توسعه‌گرا، صلح‌طلبانه و امنیت‌ساز است.

- افزایش امنیت کشور و رفع تهدیدات مزمن، افزایش اعتبار و موقعیت کشور در صحنه جهانی و همزمان شهروندان در داخل و خارج کشور نیز از جمله مسائلی است که برای تحقق اجماع ملی باید روی آن توافق صورت گیرد.

- صلح و ثبات داخلی، منطقه پیرامونی ما و جهان نیز از جمله مسائلی است که باید بر سر آن اجماع ملی شکل بگیرد. بدیهی است سیاست‌های برتری‌طلبانه، بی‌ثبات‌ساز یا منجر به تشنج و جنگ اجماع ملی را مخدوش خواهد کرد.

- در حال حاضر در کشور امکان اجماع ملی حول سیاست خارجی به نظر دشوار می‌رسد. (چراکه بنا به دلایل متعدد سیاست خارجی امری توافقی محسوب نمی‌شود).

متأسفانه به دلیل اینکه همچنان حکمرانی در کشور ما اصرار دارد که سیاست خارجی و تحریم‌ها را نباید به اقتصاد و معیشت مردم پیوند زد، این ضرورت هم احساس نمی‌شود که احیای برجام به عنوان ظرفیتی در اختیار ایران فرصتی است که اگر از دست برود، مخاطرات جدی را پیش روی ایران قرار می‌دهد. شاید تصویب قطعنامه پیشنهادی ترویکای اروپا تغییری در وضعیت ایران ایجاد نکند و بیشتر جنبه انتقادی داشته باشد، اما مساله مهمی که باید نگران آن بود، اجماعی است که بر سر این پیشنهاد علیه ایران شکل گرفته است. تنها در سایه یک سیاست خارجی متوازن است که می‌توان این اجماع را شکست. اتکا به رای چین و روسیه و این نگاه به شرق که اساساً نفی رویکرد نه شرقی و نه غربی است، باعث شده این دو کشور بتوانند با کارت ایران هر طور و در هر زمان که بخواهند بازی کنند. در حالی که با رویکرد نه شرقی و نه غربی می‌توان در چارچوب منافع ملی کشور با همه طرف‌های برجام و به خصوص طرف اصلی آن وارد مذاکره شد. مذاکره بر سر منافع ملی و حصول یک توافق برد-برد می‌تواند از مداخلات اسرائیل نیز در این زمینه جلوگیری کند. او که دنبال آماده کردن مقدمات لازم برای فعال کردن مکانیسم ماشه و ارجاع پرونده مجدد ایران به شورای امنیت است. کاغذ پاره خواندن تحریم‌ها و استفاده از زبان تهدید و ارعاب در چنین شرایطی بیشتر زمین بازی را به نفع اسرائیل تغییر خواهد داد. هنوز هم برای احیای برجام فرصت وجود دارد. ظرفیتی که به گمان من در این شرایط ناامیدی جامعه و تشدید شکاف‌های دولت-ملت، اجماع ملی روی آن وجود دارد. حرف آخر اینکه چه در قالب برجام و چه توافق موقت اگر مذاکرات به نتیجه نرسد و پرونده ایران بار دیگر به شورای امنیت ارجاع شود، دیگر با یک برجام و دو برجام و چند برجام هم نمی‌توان از این مهلکه جان سالم بدر برد. انتخابات بعدی آمریکا نزدیک است و قبل از این انتخابات با توجه به اشتیاق دموکرات‌ها از فرصت استفاده کنید و با مذاکره مستقیم با آمریکا از منافع ملی ایران در این موقعیت خطیر دفاع کنید. باور کنید خواست اکثریت مردم ایران نیز همین است. اگر تردید دارید موضوع را به رفراندوم بگذارید.

منبع: روزنامه اعتماد 22 خرداد 1401 خورشیدی